

ارائه الگوی حکمرانی اسلامی - ایرانی آموزش و پرورش

محمد مهدی نژاد نوری^۱، خلیل نوروزی^۲

محمدحسین کاظمی شورئی^{۳*}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۲/۵

چکیده

آموزش و پرورش به عنوان اصلی ترین مسئول تعلیم و تربیت عمومی کشور، وظیفه تربیت نسل آینده و دستیابی دانش آموزان به حیات طیبه در ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی و جهانی را برعهده دارد. دستیابی به اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در جایگاه سند بالادستی آموزش و پرورش نیاز به نقش راهی است که متناسب با زیست بوم و فرهنگ غنی اسلامی ایرانی باشد. در سال های اخیر به علت تصمیم گیری نادرست در آموزش و پرورش در سایه فهم غلط از حکمرانی و الگوبرداری از الگوهای غربی سبب عقب ماندگی از برنامه ها و عملیاتی نشدن سند تحول شده است. این پژوهش با نقد الگوی حکمرانی غربی موسوم به حکمرانی خوب و معرفی درون مایه لیبرالی آن به معرفی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت که ماهیت توحیدی دارد پرداخته است. این الگو ضمن سازگاری با بوم کشورمان که منطبق با ایرانیت و اسلامیت مردم است، دستیابی به حیات طیبه و سعادت دنیوی و اخروی افراد جامعه را تضمین می کند. به همین منظور با استفاده از روش داده بنیاد به گردآوری، تحلیل و تبیین عوامل مؤثر به منظور بهبود الگوی حکمرانی در بدنه آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. نتایج پژوهش نشان داد که در چارچوب مفروضات دینی مواردی مانند: ۱. خودارزیابی و پاسخ گویی مسئولانه، ۲. نقش آفرینی و تعامل اثربخش نهاد آموزش و پرورش، ۳. تکلیف گرایی و امانت داری، ۴. خودمراقبتی و محاسبه و ۵. صداقت در کردار و گفتار در تمام سطوح از مهم ترین گزاره های بهبود حکمرانی در آموزش و پرورش کشور است. در انتها نیز الگوی حکمرانی اسلامی - ایرانی آموزش و پرورش ارائه شده است.

واژگان کلیدی: حکمرانی، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، آموزش و پرورش، حکمرانی اسلامی.

۱. دانشیار، الکترونیک، دانشگاه مالک اشتر.

۲. استادیار، سیاست گذاری علم و فناوری، دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام.

۳. نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد، ژئوفیزیک، دبیر آموزش و پرورش و پژوهشگر مدیریت جهادی دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام.

مقدمه

قدمت مفهوم حکمرانی به قدمت تمدن بشری است. حکمرانی مجموعه اقدامات پیوسته برای اداره کارهای عمومی است که به شکل عمومی یا خصوصی، نهادی یا فردی در قالب فرایند، انجام می‌گیرد که در برگیرنده منافع متفاوت و متضاد بوده و در ساختاری مشارکتی شامل نهادهای رسمی و غیررسمی است (Friedman, 1955). درحقیقت حکمرانی را می‌توان رابطه بین ذی‌نفعان در سطوح مختلف تعریف کرد، به‌طوری‌که در سطح سازمان رابطه بین مدیران و کارمندان و در سطح حاکمیتی رابطه بین حاکمان و جامعه است (Fritz, 2007).

آموزش و پرورش به‌عنوان اصلی‌ترین و مهم‌ترین مسئول تعلیم و تربیت عمومی کشور، نقش جدی و پررنگی در توسعه جامعه و سرنوشت و تربیت سرمایه انسانی از حیث علمی، مهارتی و نیروی کار در راستای رشد و تعالی کشور را ایفا می‌کند. به‌گونه‌ای که آینده آموزش و پرورش آینده کشور را رقم خواهد زد. به‌دلیل پیچیدگی و روند توسعه در عصر حاضر نمی‌توان نقش آموزش و پرورش را در علم‌آموزی و آماده‌کردن افراد برای ورود به دانشگاه خلاصه کرد؛ بلکه حکمرانی آموزش و پرورش در پیشبرد و توسعه‌یافتگی جوامع اهمیت به‌سزایی دارد. در نتیجه، دستیابی به توسعه انسانی با اداره آموزش و پرورش با رویکرد حکمرانی میسر است (هاشمی و مرتضوی، ۱۴۰۰).

با حرکت جوامع به‌سوی پیشرفت، بیش‌ازپیش نیاز به آموزش و پرورشی توسعه‌محور و تحول‌گرا احساس می‌شود. تا بتوان به کمک آن افق‌های آینده را ترسیم کند و ارزیابی دقیق‌تری از فرصت‌ها داشته باشد و قدرت مواجهه و سازگاری افراد را با تغییرات پی‌درپی آینده افزایش دهد. برای دستیابی به این هدف آموزش و پرورش به‌دلیل گستردگی حیطه عمل و نقش محوری در جامعه، در خط مقدم این جبهه قرار دارد.

با توجه به سند تحول که دستیابی دانش‌آموزان به حیات طیبه در ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی و جهانی را هدف‌گذاری کرده است، نیاز به نقشه راه متناسب با هدف بوده که ضمن سازگاری با زیست‌بوم و فرهنگ ایرانی، توجه به رشد معنوی و قرب الهی و شکوفایی کشور و نیز منطبق بر ایدئولوژی، اصول اسلامی و ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی باشد.

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که توسط مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) ابلاغ شده است بیانگر نقشه راه بومی و تحولات آینده جهان و حرکت به‌سوی تمدن اسلامی-ایرانی است. دستیابی به اهداف کلان کشور که از درگاه آموزش و پرورش باید صورت گیرد، ضروری است براساس الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت

ریل گذاری شود تا مانع ورود و تأثیر الگوهای غربی همچون سند ۲۰۳۰ شده و ضمن تحقق اهداف آموزش و پرورش، شعار استقلال آزادی که بیانگر ایدئولوژی انقلاب اسلامی است محقق شود. درباره حکمرانی آموزش و پرورش، پژوهش‌های متعددی همچون نصیر ناتری و همکاران، (۱۳۹۹) و خوب‌چهره و همکاران، (۱۳۹۹) با رویکرد حکمرانی خوب انجام گرفته است؛ اما پژوهشی با رویکرد الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در حکمرانی آموزش و پرورش انجام نشده است (خوب‌چهره، ۱۳۹۹) و (خلخال، ۱۳۹۹).

بنابر موارد گفته شده، هدف پژوهش حاضر ارائه الگوی اولیه حکمرانی ایرانی اسلامی در آموزش و پرورش است.

مبانی نظری

پیشینه‌شناسی

توسعه در فرهنگ غرب به معنی تکامل نظام اجتماعی بشر از اشکال ساده‌تر به اشکالی پیچیده‌تر و بالاتر در حد بلوغ و کمال تعریف شده است. واژه توسعه را خارج شدن از پوشش و لفاف و ظهور هرآنچه به‌طور بالقوه در چیزی وجود دارد معنا می‌کنند. به عبارتی توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی داخل نظام از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به‌سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است سوق یابد (تودارو، ۱۳۸۷).

بر این اساس توسعه فرایندی همه‌جانبه و معطوف به تمام ابعاد زندگی مردم است و سبب تغییر در تمام ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... شده به‌گونه‌ای که نه تنها از لحاظ کمی بلکه از لحاظ کیفی هم باعث تغییرات در تمام ابعاد جامعه از جمله شیوه زندگی، رفاه اجتماعی و... می‌شود؛ اما در عمل این تعریف رنگ‌وبوی دیگری گرفته و توسعه عاملی برای سلطه فرهنگ سکولار و بی‌خدایی با محوریت اصالت انسان شده است.

در مقابل، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، سعادت دنیا و آخرت با محوریت خدا را در پی دارد. این الگو هرچند دارای فصول مشترکی با الگوی غربی از جمله پاسخگویی است؛ اما کلیدی‌ترین تفاوت آن، علاوه بر پاسخ‌گویی حکمرانان به افراد جامعه باید نسبت به خداوند نیز پاسخگو باشند. این تفاوت که نشأت گرفته از خدامحور بودن الگوی پیشرفت است، علاوه بر سعادت و پیشرفت دنیوی، سعادت اخروی را ضمانت می‌کند.

مفهوم‌شناسی

حکمرانی خوب: از زمان جنگ جهانی دوم بانک جهانی با هدف بسط قدرت سیاسی آمریکا با رویکرد همسان‌سازی اقتصادی برای کشورهای در حال توسعه الگوی حکمرانی خوب را در حوزه حکمرانی مطرح کرد (Grindle, 2004). حکمرانی خوب نخستین بار در بعد اقتصادی مطرح شد؛ اما در گذر زمان به بعد سیاسی، آموزشی و... نیز ورود کرد. این گسترش نفوذ حکمرانان آمریکا در جهان در حالی در دستور کار قرار گرفت که ارزش‌ها و اصول حکمرانی در هر کشور باید توان انطباق با ارزش‌های حاکم بر نظام‌های سیاسی آن کشور را داشته باشد. بدون در نظر گرفتن این مهم، این ارزش‌های آمریکایی است که جایگزین ارزش‌های ملت‌ها خواهد شد (Weiss, 2000). الگوی حکمرانی خوب با تأثیر از حقوق اداری فرانسه، حقوق مدنی انگلیس و قوانین و مقررات حاکم بر نهادهای نظارتی کشورهای سوئد، فنلاند، نروژ و دانمارک موسوم به اسکاندیناوی طرح‌ریزی و تدوین شد که این موضوع از ساختار غربی الگوی حکمرانی خوب حکایت دارد (Wallerstein, 2011). الگوی غربی حکمرانی خوب بیانگر بی‌توجهی به ارزش‌های حاکم بر نظام‌های سیاسی دیگر است؛ لذا حکمرانی جهانی که از جنگ جهانی دوم تاکنون با عنوان حکمرانی خوب مطرح شده است، به دلیل قدرت نامتوازن جهانی و ساختار غربی الگوی حکمرانی به نفع غرب و به ضرر کشورهای پیرو بوده است و این الگوی حکمرانی به دلیل ناهم‌سویی با ارزش‌ها، فرهنگ، تاریخ و هنجارهای حاکم بر جوامع عملاً سبب از بین رفتن فرهنگ کشورها شده است (Dunning, 1905).

الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت: الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به عنوان نقشه راه جامع برای رشد و تعالی ملت ایران در پرتو خودباوری عمیق فرهنگی و ملی و بر مبنای نگرش‌های اسلامی است. این الگو با سه رویکرد: ۱. پاسخ‌گو نبودن الگوی توسعه غربی به نیازها و آرمان‌های انقلاب اسلامی، ۲. ظرفیت فکری اسلام مبنی بر پشتیبانی نظری و عملی مبتنی بر ارائه الگوی پیشرفت و ۳. دستیابی ایران به ظرفیت علمی و راهبردی به منظور طراحی نقشه راه پیشرفت طراحی و پی‌ریزی شده است. در حکومت علوی همیشه ارزش‌های معنوی بر مصالح مادی مقدم بوده است. امام علی علیه السلام در یک سخنرانی در باب امامت و خلافت، فرمودند: «اگر پایه‌های دین را استوار نگه دارید، هیچ خسارت دنیوی به شما آسیبی نمی‌رساند؛ ولی هر چه را که از دنیا به دست آورید؛ در صورتی که دیتان را از دست داده باشید، برایتان سودی ندارد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳). ایشان به فرمانداران و عمال حکومت خود می‌فرمودند: «مبادا برای اصلاح دنیای خویش، دین خود را به نابودی کشانده، آخرتتان را تباہ سازید» (همان، خطبه ۱۰۶). بر این اساس، هر

سیاستی که به آبادانی و بهبود معیشت دنیوی منجر شود؛ ولی به ارزش‌های معنوی صدمه وارد کند، از نگاه آن حضرت مردود است؛ زیرا حذف گرایش‌های معنوی، خسارت‌های دنیوی فراوانی برجای می‌گذارد و زندگی اجتماعی را با بحران‌های جدید روبه‌رو می‌کند (سروش محلاتی، ۱۳۸۰). در جهان بینی اسلامی، ثروت، قدرت و علم وسیله رشد انسان و زمینه‌ساز برقراری عدالت، حکومت حق، روابط انسانی در جامعه و دنیای آباد است (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۷). الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با مبانی شش‌گانه خداشناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، ارزش‌شناسی و دین‌شناسی همچون دیگر الگوها دارای مبانی است؛ اما تفاوت آشکاری در ساختار و هدف با دیگر الگوها دارد (عزیزی، ۱۳۹۷). این الگو با ایدئولوژی که ناشی از جهان‌شناسی اسلامی و در هم‌تنیدگی دنیا و آخرت دارد به تحلیل رابطه بین خدا، انسان و جامعه می‌پردازد.

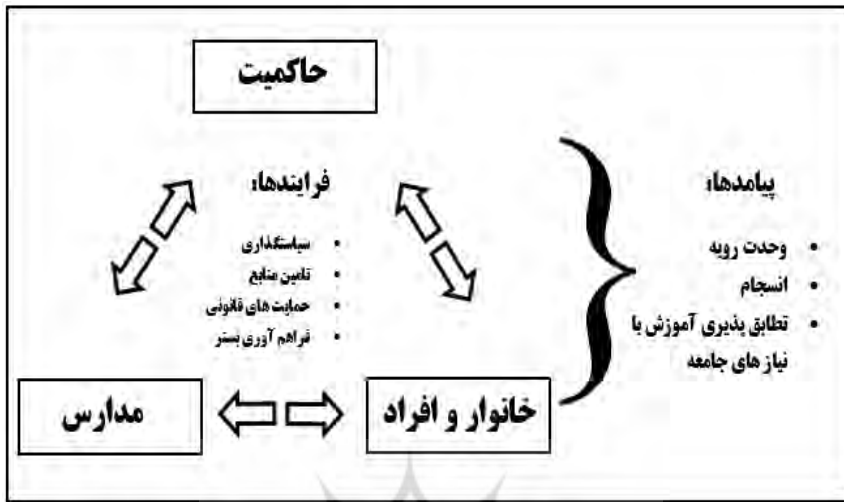
جدول ۱: مقایسه تعریف شاخص‌ها از نظر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و الگوی حکمرانی خوب

شاخص	الگوی حکمرانی خوب	الگوی پیشرفت	شاخص
پاسخ‌گویی	دولت، نهادهای مدنی و بخش خصوصی در برابر همدیگر و مجموعاً در برابر شهروندان (Charmaz, 2007)	حاکمیت، نهادهای مدنی و بخش خصوصی و آحاد اجتماع در برابر یکدیگر و مجموعاً در برابر خداوند (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۷).	خودارزیایی و پاسخ‌گویی مسئولانه
قانون‌گرایی	پایبندی به قوانین مصوب قوه مقننه (Celorrio, 1997)	پایبندی به قوانین الهی و قوانین مصوب قوه مقننه که مبتنی بر قوانین الهی است (سروش محلاتی، ۱۳۸۰).	تکلف‌گرایی و امانت‌داری
شفافیت	آزادگذاشتن جریان اطلاعات و امکان دسترسی برای همه (Hout, 2007)	آزادی جریان اطلاعات که مبتنی بر راست‌گویی و صداقت بوده و تضمین‌کننده رشد و کمال انسان باشد (هاشمی و مرتضوی، ۱۴۰۰).	صداقت در کردار و گفتار در تمام سطوح
مبارزه با فساد	استفاده از روش‌های نظارتی و بازرسی (Celorrio, 1997)	استفاده از روش‌های نظارتی و بازرسی و حکم مبتنی بر حلال و حرام (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۷).	خودمراقبتی و محاسبه
کارایی و اثربخشی	استفاده از ظرفیت‌های مادی به‌طور کامل (Ball, 1993)	استفاده از ظرفیت‌های مادی و معنوی به‌طور کامل (عزیزی، ۱۳۹۷).	نقش‌آفرینی و تعامل اثربخش

حکمرانی آموزش و پرورش

در حکمرانی آموزش و پرورش، صرف‌نظر از کشور، سه عامل اصلی در ساختار حکمرانی وجود دارد که عبارت است از: ۱. دولت، ۲. متقاضیان آموزش و ۳. ارائه‌دهندگان آموزش. از لحاظ نظری، روابط بین این عوامل می‌تواند کاملاً متمایز باشد (ILO, 1998). در الگوی حکمرانی دولت رفاه که دولت بیشترین سهم را در اداره جامعه دارد به دلیل عدم انعطاف‌پذیری و تأمین انتظارات شهروندان و نادیده گرفتن نهادهای مردمی مورد انتقاد قرار گرفت. در الگوی دولت حداقلی که مداخله دولت در اداره آموزش و پرورش کاهش یافته و اداره آموزش و پرورش به سبک بنگاه‌های خصوصی را در دستور کار داشت به دلیل تعدیل نیروی انسانی و شکاف طبقاتی به وجود آمده در جامعه مورد انتقاد قرار گرفت. در اعتراض به دو دیدگاه نئوکلاسیک و نئولیبرالی که مبتنی بر قالب و مقلوب بودن دولت بنا شده بود حکمرانی خوب با مشی اعتدال و همکاری متقابل دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی از سوی بانک جهانی مطرح شد (سالارزهی، ۱۳۹۱). هرچند امروزه حکمرانی خوب به‌عنوان یک الگوی قالب و نسخه شفافبخش در حوزه حکمرانی تجویز می‌شود؛ اما این الگو به دلیل منشاء توسعه اقتصادی و بنا شدن براساس فلسفه سرمایه‌داری بر تقویت رفاه مادی تأکید دارد. به همین دلیل شاخص قانون‌گرایی و مبارزه با فساد برای اطمینان خاطر سرمایه‌داران از سرمایه‌هایشان وضع شده است. همچنین بی‌توجهی به دین و ارزش‌های دینی، پی‌ریزی براساس مدارا و تساهل و فقدان نگاه توحیدی و محوریت انسان در تحلیل‌ها و فعالیت‌های اجتماعی به رشد معنوی و سعادت اخروی افراد جامعه بی‌توجه است و از این منظر مورد انتقاد قرار گرفته است (نادری، ۱۳۹۰).

در نظام اسلامی ایران که تحول علمی، اجتماعی و نیز اخلاقی و دینی و دستیابی به حیات طیبه هدف‌گذاری شده است، نیاز به آموزش و پرورشی است که ضمن توجه به پیشرفت‌های مادی به تعالی معنوی توجه تام و ویژه‌ای داشته باشد. الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت‌نشأت گرفته از اسلام ناب محمدی (ص) و اصل خدامحوری علاوه بر توسعه مادی و رفاه، دستیابی به حیات طیبه را در دستور کار دارد. آموزش و پرورش به‌عنوان منشاء توسعه و تعالی جامعه که تحقق مراتبی از حیات طیبه را برعهده دارد، باید بر ریل الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت حرکت کند تا به فضل الهی و تلاش و همت جوانان انقلابی ارزش‌های انقلاب اسلامی را محقق سازد تا شاهد ایجاد تمدن نوین اسلامی در زیست‌بوم ایران باشیم.



شکل ۱: الگوی پایه بانک جهانی برای تخصیص وام‌های آموزشی به کشورهای کمتر توسعه یافته

(Manuel, Marcus, Harsh Desai, Emma Samman, and Martin Evans. Financing the end of extreme poverty. ODI Report, 2018.)

چارچوب نظری

روش پژوهش

این پژوهش به روش نظریه داده‌بنیاد و با رویکرد نوظهور انجام شده است. هدف نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، بررسی فرایندهای اجتماعی در تعاملات انسانی و ساختار و روندهایی است که به آن منجر شده است. این روش که توسط دو جامعه‌شناس؛ یعنی گلیزر و استراوس در کتاب کشف نظریه زمینه‌ای ۱۹۶۷ معرفی شده است، در واقع به‌عنوان یک راهبرد برای جایگزینی رویکردهای سنتی در تحقیقات علمی به‌کار می‌رود. نظریه زمینه‌ای به‌عنوان روش، نوعی تحقیق در عرصه است که پدیده‌ها را در موقعیت طبیعی آن‌ها، مثل مدرسه، بیمارستان، زندان‌ها و... مورد بررسی قرار داده و توصیف می‌کند. هدف این روش، بررسی عمیق اعمال بالینی، رفتاری، عقاید و طرز فکرهای افراد و گروه‌ها به همان نحوی است که در زندگی واقعی آن‌ها روی می‌دهد. از آنجا که روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد می‌کوشد تا فرایندهای اجتماعی را در همان محیط طبیعی توصیف و بررسی کند؛ لذا استفاده از این روش برای مطالعه سکوت سازمانی و شفاف سازی و توصیف عمیق‌تر آن مناسب است. جامعه آماری پژوهش نیز کارگزاران نهاد آموزش و پرورش در

سطوح مختلف معلم، مدیر مدرسه، رئیس اداره، مدیر کل و معاون وزیر است. ملاحظات اخلاقی در اجرای پژوهش نیز مدنظر قرار گرفت که در واقع، نشان‌دهنده میزان و چگونگی احترام پژوهشگر به مشارکت کنندگان است (Charmaz, 2007).

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

پژوهش حاضر با هدف تدوین الگوی حکمرانی اسلامی- ایرانی آموزش و پرورش انجام گرفته است. به همین منظور با افراد صاحب‌نظر و دارای سابقه کار در آموزش و پرورش مصاحبه و نظر آن‌ها مورد واکاوی قرار داده شد.

ابتدا هدف پژوهش با افراد مورد نظر که در خانواده بزرگ آموزش و پرورش به داشتن رویکردهای اسلامی ایرانی شهره بودند، برای نظرسنجی در میان گذاشته شد و پس از اعلام رضایت و علاقه‌مندی آن‌ها اقدام به مصاحبه گردید؛ لذا هنگامی که مصاحبه‌شوندگان نظرات خود را درباره حکمرانی در نهاد آموزش و پرورش بیان می‌کردند، توضیح و روشن‌گری دیگری لازم نبود و مصاحبه‌ها پایان‌یافته تلقی شدند. مصاحبه‌ها بین ۳۰ الی ۶۰ دقیقه زمان می‌برد. مصاحبه‌ها ضبط و سپس عین کلمات افراد استخراج گردید و مجدداً برای اطمینان خاطر از دقت کار، کدهای استخراجی به‌طور گزینشی با قسمت‌هایی از مصاحبه‌های ضبطی تطبیق داده شدند؛ بنابراین، در مطالعه حاضر داده‌ها پس از انجام مصاحبه با ۳۱ نفر از کارگزاران نهاد آموزش و پرورش که ترکیب آن‌ها در جدول دو آمده است غنی گردید.

جدول ۲. ویژگی جمعیت‌شناسی خبرگان

ردیف	پست	متوسط سابقه (سال)	تعداد	تحصیلات
۱	مدیر مدرسه	۲۴-۲۰	۴	کارشناس ارشد
۲	مدیریت آموزش و پرورش	۳۰-۲۵	۳	کارشناسی و کارشناسی ارشد
۳	معاون وزیر	۲۸	۲	دکتری
۴	دبیر آموزش و پرورش	۲۲-۱۵	۷	کارشناسی و کارشناسی ارشد
۵	مدیر مدارس غیردولتی	۳۰-۱۵	۷	کارشناسی ارشد
۶	دبیر مدارس غیر دولتی	۲۳-۱۸	۶	کارشناسی ارشد و دکتری
۷	دبیران اعزام شده به مدارس خارج از کشور	۲۹	۲	کارشناسی ارشد

روش صدرالاشاره شامل توصیف پدیده موردنظر توسط محقق، کنارگذاری پیش فرض‌های محقق، مصاحبه با شرکت‌کنندگان، قرائت توصیف‌های شرکت‌کنندگان، استخراج مفاهیم، درک روابط اساسی و کسب تأیید آنان، مرور بر متون مربوطه و انتشار یافته‌ها است (ادیب حاج باقری، ۱۳۸۲).

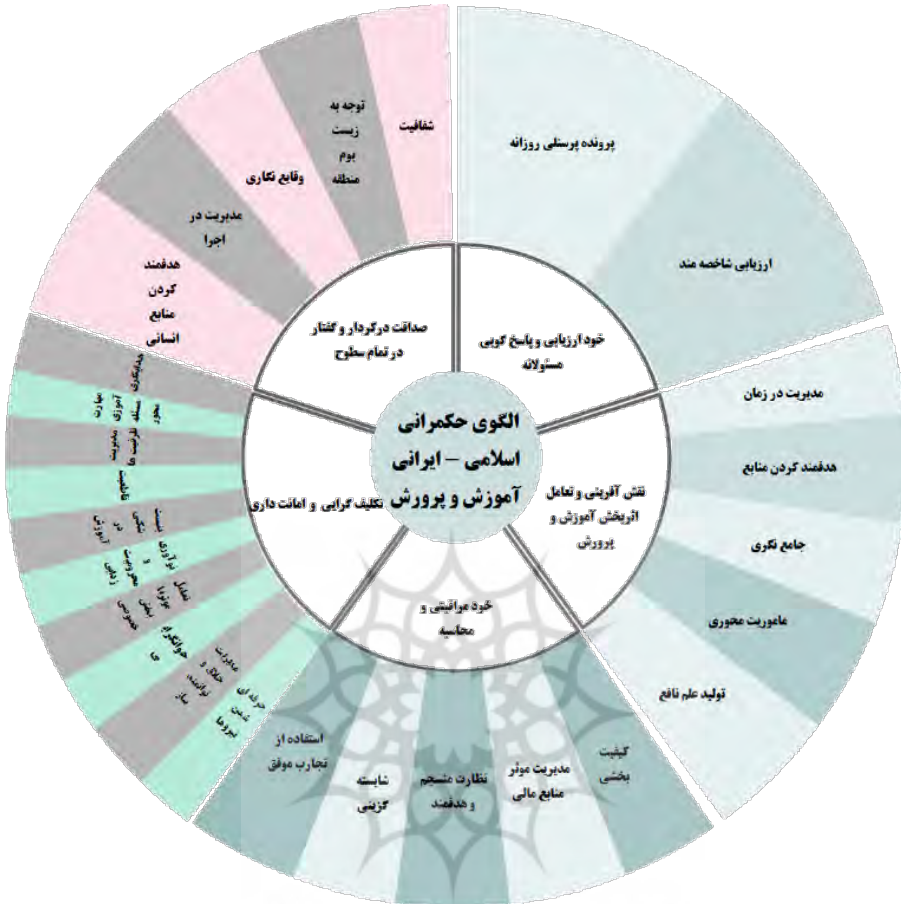
روش کار به این شکل بود که پس از انجام هر مصاحبه، پیاده‌سازی انجام می‌شد و پس از مرور خط به خط و چندباره متن مصاحبه، مفاهیم اصلی استخراج شده و به صورت کدهایی ثبت می‌گردید. این روند تا جایی ادامه پیدا کرد که داده‌های به دست آمده به مرحله اشباع رسیده و دیگر مفاهیم جدیدی از درون مصاحبه‌ها استخراج نگردید. سپس با مقایسه کدهای به دست آمده، کدهایی که باهم همپوشانی داشتند در یک گروه قرار گرفت. در مرحله آخر، ارتباط بین گروه‌های تفکیک‌شده در مرحله پیشین تعیین گردید. برای اطمینان از روایی سازه و اینکه تحلیل داده‌ها منعکس‌کننده پدیده مورد مطالعه است از روش‌های کنترل اعضا و زاویه‌بندی استفاده شد. جدول (۳) نمونه‌ای از روش کدگذاری و استخراج مفاهیم برآمده از مصاحبه‌ها و فرایند استخراج مقوله‌های حاصل از آن است.

جدول ۳. نمونه روش کدگذاری مرحله اول روش تشکیل مقولات از مفاهیم پایه

مقوله‌ها	مفاهیم برآمده	نکته	کد
حرفه‌ای شدن نیروها	احیا و تقویت گروه‌های آموزشی برگزاری آزمون‌های هماهنگ با هدف واقعی شدن ارزشیابی‌ها مبارزه با بی‌سوادی پنهان	در سال‌های اخیر گروه‌های آموزشی عملاً حذف شده و به موضوعی صوری و تشریفاتی تبدیل شده که این خود سبب کاهش کیفیت آموزش و عدم یکپارچگی در روند آموزش شده است. همچنین حذف آزمون‌های استاندارد و هماهنگ و برگزاری آزمون‌های داخلی سبب شده است ارزشیابی از دانش‌آموزان فاقد پایایی و روایی باشد و بی‌سوادی پنهان را به دنبال داشته است.	PM

با کدزنی مصاحبه‌های انجام شده، در گام دوم کوشیده شد تا مقولاتی که حاصل مزج و ترکیب مفاهیم برآمده از مصاحبه‌ها بوده است، استخراج شود. سپس مقولات کلان که حاصل ترکیب و کلی‌سازی مقولات است، ارائه گردید: با توجه به تجربیات شرکت‌کنندگان و بیانات آن‌ها که با توجه به جدول شماره (۲) همه از صاحب‌نظران، مدیران ارشد و مدیران و معلمان که سال‌ها در سنگر تعلیم و تربیت زیسته‌اند و ضمن تجربه‌اندوزی برحوزه فعالیت خود اشراف دارند، پنچ کلان مقوله: خودارزیابی و پاسخ‌گویی مسئولانه، نقش‌آفرینی و تعامل اثر‌خش آموزش و پرورش، تکلیف‌گرایی و امانتداری، خودمراقبتی و

محاسبه و صداقت در کردار و گفتار در تمام سطوح و ۲۷ مقوله نیز شناسایی شد. شاخص خود ارزیابی و پاسخ‌گویی مسئولانه، نقش‌آفرینی و تعامل اثربخش آموزش و پرورش، تکلیف‌گرایی و امانت‌داری، خودمراقبتی و محاسبه و صداقت در کردار و گفتار در تمام سطوح برای الگوی حکمرانی اسلامی- ایرانی آموزش و پرورش به دست آمد. (شکل ۲) با بهره‌گیری از مصاحبه‌ها شاخص خودمراقبتی و محاسبه شامل زیرشاخص‌های پرونده کارکنان روزانه و ارزیابی شاخصه‌مند است. در شاخص نقش‌آفرینی و تعامل اثربخش آموزش و پرورش شامل زیرشاخص‌های مدیریت در زمان، هدفمند کردن منابع، جامع‌نگری، مأموریت‌محوری، تولید علم نافع می‌شود، در شاخص تکلیف‌گرایی و امانت‌داری شامل زیرشاخص‌های حرفه‌ای شدن نیروها، مدیریت توانمندساز، هدایتگری، جوانگرایی، تعامل مؤثر با بخش خصوصی، نوآوری و محرومیت‌زدایی، بن‌بست‌شکنی در آموزش، قاطعیت، مدیریت ظرفیت‌ها و مهارت‌آموزی مسئله‌محور می‌شود. شاخص خود مراقبی و محاسبه شامل زیرشاخص‌های کیفیت‌بخشی، مدیریت مؤثر منابع مالی، نظارت منسجم و هدفمند، شایسته‌گزینی و استفاده از تجارب موفق می‌شود. شاخص صداقت در کردار و گفتار در تمام سطوح، زیرشاخص‌های شفافیت، توجه به زیست‌بوم منطقه، وقایع‌نگاری، مدیریت در اجرا، هدفمند کردن منابع انسانی را در بر می‌گیرد. همچنین محققین کوشیده‌اند تا با نقد حکمرانی آموزش و پرورش با رویکرد الگوی حکمرانی خوب به ارائه الگوی حکمرانی آموزش و پرورش با رویکرد الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت که متناسب با فرهنگ و ارزش‌های اسلامی- ایرانی است بپردازند.



شکل ۲. نتیجه یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

الف) نتیجه‌گیری

حکمرانی خوب (Good Governance) زاینده گفتمان توسعه (Development) است. متأسفانه، این الگوی حکمرانی که با هدف آماده کردن کشورها برای پذیرش استیلای آمریکا در آنها توسط بانک جهانی تدوین شده است، به‌طور گسترده‌ای مورد توجه قرار گرفته است و برخی از ایرانیان برون مرزها و نیز درون مرزهای جغرافیایی کشور، به تبلیغ، اشاعه و تجویز آن برای نهادهای مختلف کشور اصرار می‌ورزند. حال آنکه، بسیاری از این گروه، از مفروضات و بایسته‌های آن مطلع نیستند. در این مقاله کوشیده شد تا با معرفی دقیق‌تر این مفهوم در مقابله با مفهوم ارائه‌شده «پیشرفت»، عوارض ناشی از این نگاه و برون‌دادهای

خطرناک احتمالی آن معرفی گردد. در ادامه حکمرانی مناسب برای آموزش و پرورش متناسب با زیست‌بوم اسلامی ایرانی متکی بر مصاحبه خبرگان ارائه گردید. آموزش و پرورش در جایگاه یک نهاد استراتژیک و کلیدی و معلمین در مقام افسران سپاه پیشرفت کشور وظیفه بزرگی در فرهنگ‌سازی و تربیت نسل آینده را برعهده دارند. هرچند در این سال‌ها مورد بی‌مهری‌ها و بی‌توجهی‌های زیادی قرار گرفته و برای دولت‌مردان در اولویت اول نبوده است. صاحب‌نظران تعلیم و تربیت معتقدند برای دستیابی به توسعه و اهداف کلان کشور، نیازمند آموزش و پرورش قوی و مبتنی بر الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت هستیم. در این راستا بازنگری در حکمرانی آموزش و پرورش و ارائه الگوی حکمرانی برای آموزش و پرورش مبتنی بر الگوی حکمرانی اسلامی ضروری است، بنابر نظر مصاحبه‌شوندگان سیاست‌گذاری در حوزه آموزش و پرورش به سه بخش: ۱. تصمیم‌گیران، ۲. نیروی انسانی و ۳. فراگیران تقسیم می‌شود.

۱. تصمیم‌گیران

۱-۱. PX4: آموزش را یکی از مصادیق مبرهن شکست بازار دانسته و حکمرانی آموزش و پرورش را منحصر به دولت دانسته و برون‌سپاری خدمات آموزش عمومی را اشتباهی راهبردی بیان کرد. واگذاری آموزش عمومی به بخش خصوصی را ناکامی و عدم تحقق اهداف بلند آموزش و پرورش قلمداد کرد.

۱-۲. PP1: خط مشی‌گذاری، تصمیم‌گیری و نظارت بر اجرای صحیح برنامه‌ها و قوانین مصوب را یکی از مهم‌ترین نیازهای آموزش و پرورش دانست و فقدان یک مرجع واحد در حوزه خط‌مشی‌گذاری و نظارت را یک خلأ بزرگ و استراتژیک برای آموزش و پرورش دانست.

۱-۳. Pb2, Pb1, PR3, PF2, PA3, PA2: وجود برنامه در تمام سطوح آموزش و پرورش را امری ضروری دانستند. به‌کارگیری مدیران دارای برنامه منطبق با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و متناسب با زیست‌بوم و امکانات محل خدمت آنها ضمن اجرایی شدن سند تحول، ارزیابی مدیران، پاسخ‌گویی مدیران براساس برنامه‌هایشان و برخورد با مدیرانی که ترک فعل کرده‌اند را از ضرورت‌های مدیریت آموزش و پرورش در گام دوم انقلاب دانستند.

۱-۴. Pc3, Pa2, Pa1, PZ2, PZ1, PA1: شفاف‌سازی یکی از مطالبات مردمی و از حقوق مردم است. شفاف‌سازی در آموزش و پرورش، افزایش مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی اولیای مدرسه و ارتقای کیفیت آموزشی را به‌دنبال خواهد داشت. ایجاد سامانه برخط پرونده الکترونیک کارکنان در راستای آگاهی لحظه‌ای خانواده‌ها از عملکرد دانش‌آموزان ضمن شفاف‌سازی فعالیت‌های مدرسه و دانش‌آموزان، گام مؤثری در تحقق آموزش و پرورش هوشمند دانستند. تأکید بر توزیع بهینه نیرو از طریق جذب نیروی

مبنی بر آمایش سرزمینی و درنهایت ارائه گزارشات و آمار با شاخص‌های پراکنندگی همچون واریانس و انحراف معیار را گامی مؤثر در راستای شفاف‌سازی بیان کردند.

۵-۱. PU3, PU2: آموزش و پرورش به‌عنوان بزرگ‌ترین وزارتخانه از حیث کارکنان همواره با مشکلات بودجه‌ای و اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کند. تاجایی که کاهش هزینه‌ها و صرفه‌جویی از اولویت‌های برنامه‌های این وزارتخانه بوده است. تربیت اقتصادی دانش‌آموزان که دومین ساحت سند بالادستی تحول بنیادین آموزش و پرورش است برعهده آموزش و پرورش گذاشته شده است؛ اما شایان ذکر است که مجری این مأموریت خطیر در توفیقات اقتصادی ناتوان بوده و به بودجه عمومی کشور بسنده کرده است. این عدم توفیق از دو منظر قابل بررسی است، یکی متعارض دانستن رسالت آموزش و پرورش با فعالیت‌های اقتصادی و دیگری فقدان مسئول یا مسئولین دارای دیدگاه اقتصادی است. رشد اقتصادی و ارتقای معیشت معلمان سبب افزایش انگیزه و ارتقای کیفیت آموزشی خواهد شد.

۶-۱. PS2, PV1, PP2, PO2, PO1, PN2, PL1, PL2: خصوصی‌سازی و برون‌سپاری خدمات آموزش نگاه غالب به آموزش و پرورش در سال‌های اخیر بوده است. در سال‌های ابتدایی انقلاب مدارس غیردولتی با هدف ارتقای آموزش در لوی تربیت اسلامی آغاز به کار کرد. این مدارس با دیدگاه تکلیف‌گرایانه به جای تکنوکراتیک تربیت سرمایه انسانی نسل آتی را در دستورکار قرار داده بود. با گذشت زمان این مدارس از تکلیف‌گرایی به درآمدزایی تغییر رویه داد و کسب درآمد اولویت اول آن شد. نظارت شورای عالی آموزش و پرورش در راستای یکپارچگی خدمات آموزشی و تربیتی در مدارس دولتی و غیردولتی یک امر ضروری است. همچنین در راستای تحقق سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی و استفاده از ظرفیت بخش خصوصی در حوزه آموزش و پرورش، لازم است تا شورای عالی آموزش و پرورش با اتخاذ سیاست‌های حمایتی با رویکرد هم‌افزا و تسریع در تحقق اهداف آموزش و پرورش از این ظرفیت عظیم استفاده کند.

۷-۱. PJ1, PI3, PH2: توجه به علم و فناوری و توسعه آموزش و پرورش در حوزه فناورانه باید در اولویت آموزش و پرورش قرار گیرد. با توجه به جایگاه ایران در علم و فناوری و پیشرفت‌های چشمگیر ایران در علوم نوین، معرفی و تبیین جایگاه ایران در سطح بین‌الملل به جامعه دانش‌آموزی، توجه به امر پژوهش و توسعه کمی و کیفی پژوهش‌سراهای دانش‌آموزی، ارتقای جایگاه ایران در المپیادها، تسریع در ارتقای معلمان پژوهشگر و نقش پررنگ پژوهش در آیین‌نامه ارتقای معلمان یک ضرورت جدی در آموزش و پرورش است.

۸-۱ PI1, PI2: با توجه به اثربخشی و نقش ایران در منطقه و حوزه مقاومت، فعال شدن بخش بین‌الملل آموزش و پرورش و حضور ایران در کشورهای حوزه مقاومت و دیپلماسی علمی - آموزشی با رویکرد علم و آموزش برای دیپلماسی باید در دستور کار آموزش و پرورش قرار گیرد.

۹-۱ PX2, PX1, PW2: نقش اساسی آموزش و پرورش در تربیت نسل آینده است و نباید آن را مصادره به نفع گروه و حزبی خاص مصادره کرد و یا ابزاری برای تحقق اهداف سیاسی قرار داد. آموزش و پرورش نباید محل نزاع و فعالیت‌های سیاسی باشد. عزل و نصب‌ها باید براساس شایسته‌سالاری و فارغ از وابستگی‌های حزبی و گروهی باشد.

۱۰-۱ PR1, PR2: در حوزه آموزش با متخلفین برخورد قاطع صورت نمی‌گیرد؛ لذا صدور مدارک جعلی و استفاده و بهره‌مندی از مزایای آن به راحتی در جامعه صورت می‌گیرد. محروم کردن از خدمات دولتی و انفصال از خدمت برای افرادی که مدارک جعلی صادر می‌کنند، همچنین لزوم برخورد قاطع با متخلفین و افرادی که از مدرک جعلی استفاده می‌کنند، ضروری است.

۲. نیروی انسانی

۱-۲ PB1, PB3: بنابر فرمایش مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) مبنی بر نقش معلم در جامعه به‌عنوان افسران سپاه پیشرفت کشور، نخبه‌پذیری و جذب افراد دارای توان علمی و حرفه‌ای بالا لازمه آموزش و پرورش در دوران کنونی است. ضمن توجه به صلاحیت‌های دینی و اخلاقی توجه به صلاحیت‌های حرفه‌ای باید مورد توجه قرار گیرد.

۲-۲ PD1, PD2, PE1, PC1, PC2: دانشگاه فرهنگیان به‌عنوان قلب تپنده آموزش و پرورش و تنگه‌نقطه نظام که مسئولیت تربیت معلم برای آموزش و پرورش را برعهده دارد، باید ضمن ارتقای کمی و کیفی این دانشگاه در بخش جذب نیرو، فرایند مأموریت‌محور شدن آموزش این دانشگاه نیز مد نظر قرار گیرد تا دانشجو معلمان براساس مأموریت آموزش و پرورش تربیت شوند.

۳-۲ PM3, Pd2, Pe1: پیری جمعیت نیروی‌های آموزش و پرورش و بازنشسته شدن آن‌ها و نبود ظرفیت و توان کافی برای تربیت و جایگزینی نیروهای جوان، چالش جدی پیش‌روی آموزش و پرورش است. این موضوع سبب به‌کارگیری نیروهای بالای ۳۰ سال سابقه خدمت شده و به‌دنبال آن فرسودگی، ناکارآمدی و کاهش کیفیت آموزشی را به‌دنبال دارد. همچنین به‌کارگیری نیروی آموزشی در بخش اداری سبب فرسودگی و ناکارآمدی نیروها خواهد شد؛ لذا درگاه جذب نیروی آموزشی و اداری باید تفکیک شود.

۲-۴. PK2, PU1, PV2: ضمن استفاده از ظرفیت عظیم بخش خصوصی به منظور وحدت رویه در اجرای سیاست‌های آموزش و پرورش، نظارت بر کیفیت نیروی انسانی مدارس غیردولتی امری ضروری است. ایجاد سازمان نظام معلمی ذیل معاونت مشارکت‌های مردمی وزارت آموزش و پرورش و اعطای مجوز تدریس با پارامترهای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش برای افراد و نیز مدارس غیردولتی، به جذب نیرو از سازمان نظام معلمی یک ضرورت است. مسأله مهم دیگر در سیاست‌گذاری آموزش و پرورش مدیریت پرداخت بخش خصوصی است که نبود آن سبب نارضایتی نیروها و عدم ماندگاری آن‌ها در حوزه آموزش می‌شود.

۲-۵. PM2, PN1: در سال‌های اخیر بر صلاحیت حرفه‌ای معلمی تأکید می‌شود؛ اما کسب گواهی‌نامه صلاحیت حرفه‌ای در حوزه معلمی و آموزش کفایت امر را نمی‌کند؛ بلکه باید با ادامه تحصیل معلمان و برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت بروز شدن معلمان را در دستور کار قرار دهند.

۳- فراگیران

۳-۱. PB2: کشف و شکوفایی استعدادهای دانش‌آموزان در طول دور تحصیل آن‌ها ضمن توجه همه‌جانبه به توانمندی‌های آن‌ها، از تک‌بعدی شدن آن‌ها جلوگیری می‌کند.

۳-۲. PQ1, PY2, PJ2, PH3: تربیت دانش‌آموزان در راستای کسب عقل معاش از مأموریت‌های آموزش و پرورش است. آماده‌سازی فارغ‌التحصیلان آموزش عمومی (مدارس) برای ورود به بازار کار مأموریتی است که سند تحول به آموزش و پرورش محول کرده است. در همین راستا آموزش و توانمندسازی دانش‌آموزان در یک حرفه با هدف کار و کسب درآمد در کنار تحصیل باید در دستور کار آموزش و پرورش قرار گیرد.

۳-۳. PQ2, PQ3, PS1, PS3, PT1, PT2, PX3: علی‌رغم تلاش‌های زیاد پس از پیروزی انقلاب در راستای ساخت مدارس و ایجاد فضای آموزشی در تمام نقاط کشور متأسفانه شاهد این هستیم که رابط مناسب و پایدار آموزشی عمومی برای همه اقشار جامعه محقق نشده است. نبود عدالت آموزشی مهم‌ترین علت این موضوع است. در این راستا توجه و اهتمام آموزش و پرورش بر کیفیت‌افزایی امکانات آموزشی از حیث سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در مناطق مرزی و عشایری لازم است.

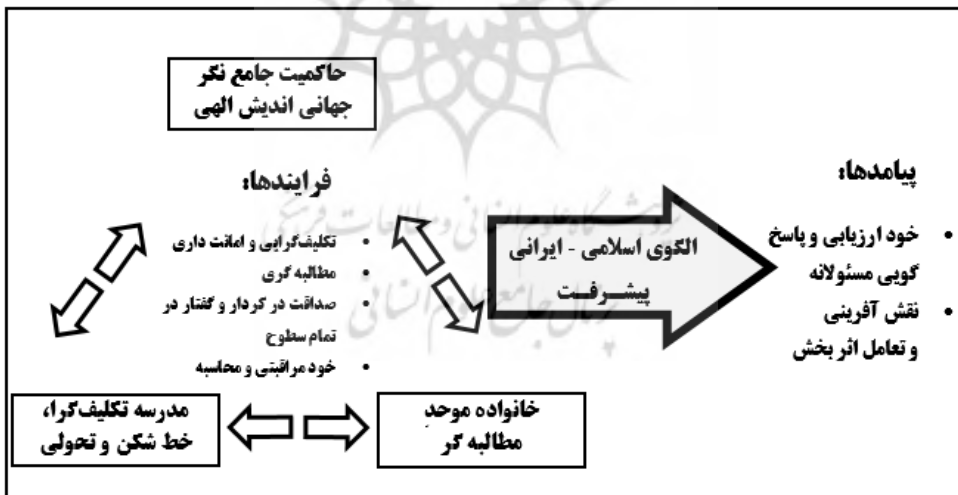
۳-۴. Pe2, PHI, PJ3, PE2, PF1, PF3, PG1, PG2, PG3: بهره‌گیری از فرهنگ اسلامی - ایرانی در تألیف کتب درسی بالاخص کتب دوران ابتدایی. برخلاف نظام سلطه که به دنبال اسطوره‌سازی برای کودکان خود است کشور ما سرشار از اسطوره‌هایی همچون حججی‌ها و فهمیده‌ها است که هر یک

می‌توانند الگوی دانش‌آموزان و فرزندان ما باشند. شناساندن و معرفی این افراد سترگ به دانش‌آموزان به‌جای الگوبرداری از فرهنگ پوچ غربی باید مورد توجه جدی آموزش و پرورش قرار گیرد.

۳-۵. PK1, PM1, PT3, PW1, Pc: حذف آزمون‌های هماهنگ استانی و کشوری و برگزاری آزمون‌های پایانی به‌صورت داخلی منجر به غیرواقعی شدن ارزشیابی‌ها شده و به تبع آن بی‌سوادی پنهان را به‌دنبال داشته است؛ لذا فعال کردن گروه‌های آموزشی، برگزاری آزمون‌های هماهنگ منطقه‌ای-استانی و کشوری به‌منظور یکپارچه‌سازی ارزشیابی در تمام پایه‌های تحصیلی ضروری است.

۳-۶. PA1, PY1, Pd1: هدایت تحصیلی در آینده شغلی دانش‌آموزان و تربیت نیروی انسانی و آینده کشور نقش اساسی دارد؛ بنابراین هدایت تحصیلی باید متناسب با توان دانش‌آموز و آگاهی‌بخش به خانواده‌ها باشد. در ضمن هدایت تحصیلی باید از پایه هفتم تحصیلی صورت گیرد تا اثربخش و هدفمند باشد.

۳-۷. Pc2: فرایندی بودن آموزش لازم می‌دارد تا ارزشیابی نیز یک مقوله فرایندی باشد، هرچند این موضوع در برنامه‌ها و سیاست‌ها با عنوان نمره مستمر لحاظ شده است؛ اما آنچه باید مورد توجه قرار گیرد اجرای صحیح و غیرصوری ارزشیابی فرایندی (نمره مستمر) است.



شکل ۳: الگوی حکمرانی اسلامی ایرانی آموزش و پرورش (منبع: یافته‌های پژوهش)

(ب) پیشنهادها

۱. در بخش نیروی انسانی، ضرورت شفافیت در تعداد نیروهای چهارسال آخر خدمت در هر استان به تفکیک رشته به منظور جذب نیرو از طریق دانشگاه فرهنگیان.
۲. در بخش دانش آموزی، ایجاد پرونده الکترونیک کارکنان و نظارت و اجرای دقیق بر آن توسط مشاور مدرسه و توسعه دولت الکترونیک و ایجاد آموزش و پرورش هوشمند و ارائه اطلاعات دانش آموزی به صورت لحظه‌ای نقش چشم‌گیری در توفیق دانش‌آموزان، مدرسه و آموزش و پرورش دارد.
۳. در بخش ارائه گزارشات، ارائه آمار بر مبنای شاخص‌های پراکنندگی که دارای دقت و واقع‌بینی در راستای تصمیم‌گیری‌ها است به جای شاخص‌های مرکزی سبب افزایش کیفیت عملکردی آموزش و پرورش خواهد شد.
۴. برنامه‌ریزی متناسب با زیست‌بوم هر منطقه و آمایش سرزمینی و اجرای هدفمند طرح هر دانش‌آموز یک مهارت، به مهارت‌محور شدن دانش‌آموزان کمک شایانی می‌کند. ایجاد هنرستان‌های کار و نیز دانش‌بنیان کردن آن‌ها و ایجاد همکاری دو جانبه هنرستان‌ها با پارک‌های علم و فناوری سبب تربیت نیروی کار ماهر برای شرکت‌های دانش‌بنیان و درآمدزایی برای آموزش و پرورش و تأمین مالی مستقل از بودجه عمومی کشور را به دنبال دارد و گام مؤثری در راستای تحقق ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای سند تحول آموزش و پرورش خواهد بود.
۵. به‌کارگیری سیاست‌های تشویقی برای حضور معلمان توانمند و با سابقه در مناطق محروم به منظور برقراری عدالت آموزشی و بهره‌مندی دانش‌آموزان این مناطق از امکانات مناطق برخوردار.
۶. اعطای مجوز تأسیس مدارس غیردولتی به افراد دارای سابقه آموزش و پرورش، و جلوگیری از ورود افراد با هدف تجاری‌سازی آموزش در عرصه آموزش.
۷. ایجاد نظام معلمی به منظور جذب و سامان‌دهی نیروهای مدارس غیردولتی و سامان‌دهی و مدیریت پرداخت در نیروهای بخش خصوصی.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. نهج البلاغه، امیرالمومنین علی بن ابی طالب علیه السلام.
۲. آدریان، لفتویج (۱۳۸۵). دولت‌های توسعه‌گرا، ترجمه جواد افشارکهن، مشهد: مندیز.
۳. امیرکواسمی، ایوب (۱۳۹۰). بحران دولت- ملت و آینده احتمالی آن، دو فصلنامه علمی- پژوهشی سیاست نظری، ۸۱-۱۰۲.
۴. بشیریه، حسین (۱۳۷۸). دولت، جامعه مدنی و گفتمان‌های جامعه‌شناسی سیاسی، کتاب علوم اجتماعی.
۵. حسینی تاش، سیدعلی و واثق، قادرعلی (۱۳۹۳). حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ۷-۲۸.
۶. سروش محلاتی، محمد (۱۳۸۰). اهداف و آرمان‌های حکومت، قیاسات، ۴۸-۵۶.
۷. دینی، علی (۱۳۷۰). تفاوت کیفی مفهوم رشد و توسعه، فصلنامه توسعه.
۸. تودارو، مایکل (۱۳۸۷). توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران: انتشارات وزیری.
۹. ناظمی اردکانی، محمد (۱۳۸۷). حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی، علوم انسانی، ۱۷ (۷۶)، ۱۰۷-۱۲۸.
۱۰. سجادیه، نرگس (۱۳۸۸). مسئولیت‌های متقابل نهاد تعلیم و تربیت رسمی و خانواده، حوراء.
۱۱. یزدان‌فام، محمود (۱۳۸۱). دولت و دموکراسی در عصر جهانی شدن، تهران: انتشارات روزنه.
۱۲. کریمی، جلیل (۱۳۹۳). صنعت آموزش، مطالعه جامعه‌شناختی، ۲۱ (۱)، (۶۲-۴۹).
۱۳. ادیب حاج باقری، محسن (۱۳۸۲). روش‌های تحقیق کیفی، تهران: بشری.
۱۴. تودارو، مایکل (۱۳۸۷). توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران: انتشارات وزیری.
۱۵. خلخالی، علی (۱۳۹۹). مفهوم‌سازی حکمرانی خوب در آموزش و پرورش عمومی ایران با رویکرد پدیدارشناسی، رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۱۹۱-۲۰۸.
۱۶. خوب‌چهره، محمد (۱۳۹۹). تبیین مؤلفه‌های آموزش و پرورش استاندارد، ۲۵۷۵-۲۵۸۵.

۱۷. سالارزهی، حبیب (۱۳۹۱). بررسی سیر تحول در پارادایم‌های مدیریت دولتی: از پارادایم مدیریت دولتی سنتی تا پارادایم حکمرانی خوب، مدیریت دولت، ۴۳-۶۲.
۱۸. عزیزی، حسن (۱۳۹۷). تحقق توسعه سیاسی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی، ۱۵۷-۱۸۳.
۱۹. ساوهمحلاتی، محمد (۱۳۸۷). اهداف و آرمان‌های حکومت، قیسات، ۴۸-۵۶.
۲۰. ناظمی اردکانی، محمد (۱۳۸۷). حکمرانی خوب بارویکرد اسلامی، علوم انسانی، ۱۷ (۷۶)، ۱۰۷-۱۲۸.
۲۱. نادری، محمدمهدی (۱۳۹۷). حکمرانی خوب: معرفی و نقدی اجمالی اسلام، پژوهش‌های مدیریتی، ۶۹-۹۳.
۲۲. هاشمی، ملیحه و مرتضوی، مهدی (۱۴۰۰). طراحی مدل اداره آموزش عمومی کشور با رویکرد حکمرانی، ۹۹-۱۳۰.

ب (منابع انگلیسی

1. Prakash J. A. Hart. (۱۹۹۹) Globalization and Governance. London: Routledge.
2. Besley, S. (۲۰۰۸) Policy Watch – who does what in the skills system. London: Edexcel.
3. Besley, S. (۲۰۰۸) Policy Watch – who does what in the skills system. london: Edexcel.
4. Cully, M., Field, S., Halasz, G. & Kis, V. Hoeckel K. (۲۰۰۹) Learning for Jobs: the OECD policy review of vocational education and training in England and Wales. Paris.
5. David A Kirby. (۲۰۰۴) Entrepreneurship education: can business schools meet the challenge? Education+ training. ۵۱۹-۵۱۰ .
6. F. & Garcia, F. Fluixa. (۲۰۰۸) The Professional Qualification System in Spain and Workers with Low Qualification Levels. European Journal of Vocational Training-۸۴ ، ۹۵
7. G. & Charest, J. Bosch. (۲۰۰۸) Vocational Training and the Labour Market in Liberal and Coordinated Economies. Industrial Relations Journal, ۴۴۷-۴۲۸ ،
8. Gene W. Heck. (۲۰۰۹) God, Governance, and" economic Man: The Lessons of the Founders as Derived from Economic History. University Press of America.

9. Gerald L Gutek. (۱۹۹۷) *Philosophical and Ideological Perspectives on Education*. Boston: Allyn and Bacon.
10. Gordon Donaldson. (۲۰۰۶) *Cultivating leadership in schools: Connecting people, purpose, and practice*. Teachers College Press.
11. H. Krüger. (۱۹۹۹) *Gender and Skills: distributive ramifications of the German skills system*,. New York.
12. H. Rainbird. (۲۰۱۰) *Vocational Education and Training in the United Kingdom*. Abingdon.
13. Immanuel Wallerstein. (۲۰۱۱) *The modern world-system I: Capitalist agriculture and the origins of the European world-economy in the sixteenth century* (المجلد ۱). Univ of California Press.
14. International Labour Organisation (ILO). (۱۹۹۸) *The Changing Role of Government and Other Stakeholders in Vocational Education and Training*. Geneva: International Labour Organisation (ILO).
15. J. Gatter. (۱۹۹۹) *Continuing Occupational Training in an Aging German Economy*,. New York.
16. John W Meyer. (۱۹۸۰) *Institutional and Technical Sources of Organizational Structure Explaining the Structure of Educational Organizations*.
17. Joseph Wong. (۲۰۰۴) *The Adaptive Development State in East Asia*. Journal of East Asian.
18. K. Wagner. (۱۹۹۹) *The German Apprenticeship System under Strain*,. New York.
19. K., Field, S., Justesen, T. & Kim, M. Hoeckel. (۲۰۰۸) *Learning for Jobs: the OECD review of vocational education and training in Australia*. Paris.
20. Kathy, and Linda Liska Belgrave Charmaz. (۲۰۰۷) *Grounded theory*. The Blackwell encyclopedia of sociology.
21. L.E., Heinrich, C.J. & Hill, C.J. Lynn. (۲۰۰۰) *Studying Governance and Public Management: challenges and prospects*,. Journal of Public Administration Research and Theory. ۲۶۱-۲۳۳ ،
22. M Friedman. (۱۹۵۵) *The role of government in education*.
23. M Rieckmann. (۲۰۱۷) *Education for sustainable development goals: Learning objectives*. UNESCO Publishing.
24. M. H Brons. (۲۰۰۱) *Society, Security, Sovereignty and the State: Somalia. From Statelessness to Statelessness*.

25. M. S Grindle. (۲۰۰۴) Good enough governance: poverty reduction and reform in developing countries. *Governance*. ۵۴۸-۵۲۵ ، (۴)۱۷ ،
26. Martin, Jane, P. KcKeown, Jon Nixon, and Stewart Ranson. (۲۰۰۰) Community-active management and governance of schools in England and Wales. *The governance of schooling: Comparative studies of devolved management*.
27. P. & Peters, B.G. Pierre. (۲۰۰۵) *Governing Complex Societies: trajectories and scenarios*.
28. R Naidoo*. (۲۰۰۴) Fields and institutional strategy: Bourdieu on the relationship between higher education, inequality and society. *British journal of sociology of education*. ۴۷۱-۴۵۷ ، (۴)۲۵ ،
29. R. W. Manbach. (۲۰۰۵) *Deterritorizing Global Politice in Puchala, Modernity*. Minneapolis, Minnestoa University of Minnestoa Press.
30. Reinhard Bendix. (۱۹۸۰) *Kings or people: Power and the mandate to rule*. Univ of California Press.
31. S. & Cort, P. Wiborg. (۲۰۱۰) *The Vocational Education and Training System in Demark*.
32. S. Besley. (۲۰۰۸) *Policy Watch - who does what in the skills system*. London: Edexcel.
33. S. D Krasner. (۱۹۹۹) *Sovereignty: organized hypocrisy*. Princeton University Press.
34. S. J Ball. (۱۹۹۳) Education markets, choice and social class: the market as a class strategy in the UK and the USA. *British journal of sociology of education*. ۱۹-۳ ، (۱)۱۴ ،
35. T. G Weiss. (۲۰۰۰) Governance, good governance and global governance: conceptual and actual challenges. *Third world quarterly* ۸۱۴-۷۹۵ ، (۵)۲۱ ،
36. Tim, and Matthew Cashmore Richardson. (۲۰۱۱) Power, knowledge and environmental assessment: the World Bank's pursuit of 'good governance'. *Journal of Political Power* ، ۱۲۵-۱۰۵ ، (۱)۴
37. V Vandenberghe. (۱۹۹۹) Combining Market and Bureaucratic control in Education: an answer to market and bureaucratic failure? *Comparative education*. ۲۸۲-۲۷۱ ، (۳)۳۵ ،
38. Verna and Alina Rocha Menocal Fritz. (۲۰۰۷) *Development State in the New Millennium: Concept and Challenges for a New Aid Agenda*. *Development Policy Reviw*e. ۵۵۲-۵۳۱ ، (۵)۲۵ ،

39. W. A Dunning. (۱۹۰۵) THE POLITICAL PHILOSOPHY OF JOHN LOCKE. Political Science Quarterly. ۲۲۳، (۲)۲۰ .
40. W., Miller, R. & Stevens, B. Michalski. (۲۰۰۱) Governance in the ۲۱st Century: power in the global knowledge economy and society. foresight. ۸۸۲-۸۷۱ .
41. Wil Hout. (۲۰۰۷) The politics of aid selectivity: Good governance criteria in World Bank, US and Dutch development assistance. Routledge.
42. X.M. Celorrio. (۱۹۹۷) The Spanish VET System at the Turn of the Century: modernization and reform,. Journal of European Industrial Training. ۲۲۸-۲۲۰ .
43. (ILO), I. L. (1998). The Changing Role of Government and Other Stakeholders in Vocational Education and Training. . Geneva: International Labour Organisation (ILO).
44. Charmaz, K. a. (2007). Grounded theory. The Blackwell encyclopedia of sociology.
45. Dunning, W. A. (1905). THE POLITICAL PHILOSOPHY OF JOHN LOCKE. Political Science Quarterly, 20(2), 223.
46. Friedman, M. (1955). The role of government in education.
47. Fritz, V. a. (2007). Development State in the New Millennium: Concept and Challenges for a New Aid Agenda. Development Policy Reviwe, 25(5), 531-552.
48. Grindle, M. S. (2004). Good enough governance: poverty reduction and reform in developing countries. Governance, 17(4), 525-548.
49. Wallerstein, I. (2011). The modern world-system I: Capitalist agriculture and the origins of the European world-economy in the sixteenth century (Vol. 1). Univ of California Press.
50. Weiss, T. G. (2000). Governance, good governance and global governance: conceptual and actual challenges. Third world quarterly, 21(5), 795-814.

Presenting the Islamic-Iranian governance model of education

Mohammad Mahdinejad Nouri¹, Khalil Norouzi,² Mohammad Hosein Kazemi Shoureiee³

Abstract

Education ministry, as the main responsible for public education in the country, is responsible for the education of the future generation and for students to achieve a good life in individual, family, social and global dimensions. Achieving the goals of the document on the fundamental transformation of education, in the position of the high-level document of education, requires a road map that is suitable for Iran's Islamic ecosystem and rich culture. In recent years, due to incorrect decision-making in education and training, under the shadow of misunderstanding of governance and imitation of western models, programs have fallen behind and the transformation document has not been implemented. By criticizing the Western model of governance known as good governance and introducing its liberal content, this research has introduced the Islamic-Iranian model of progress, which has a monotheistic nature. This model, while being compatible with the environment of our country, which is in accordance with the Iranianness and Islam of the people, guarantees the achievement of a virtuous life and happiness of the people in this world and the hereafter. . For this purpose, using grounded theory, it has collected, analyzed and explained the effective factors in order to improve the governance model in the education body of the Islamic Republic of Iran. The results of the research showed that within the framework of religious assumptions, 1. Self-evaluation and responsible accountability, 2. Effective role-playing and interaction of the education ministry 3. Obligation and trustworthiness, 4. Self-care and calculation, and 5. Honesty in actions and words at all levels are of the most important propositions to improve governance in the country's education system. Finally, the model of Islamic-Iranian governance of education is presented.

Key words: Governance, Iranian Islamic model of progress, education, Islamic governance.

1. Associate Professor, Electronics, Malik Ashtar University

2. Assistant Professor, Science and Technology Policy maker, Imam Hossein University,

3. Responsible author: Master's degree, Geophysics, Secretary of Education and Researcher of Jihadi Management of Imam Hossein University, peace be upon him.

Email: shoure.kazemi@ut.ac.ir



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی